



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir

على اسماعيلي

بيت العدل اعظم

بن بست مشروعيت

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

بیت العدل اعظم بن بست مشروعیت

نویسنده:

علی اسماعیلی

ناشر چاپی:

نشریه زمانه

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	بیت العدل اعظم بن بست مشروعیت
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	نحوه‌ی تشکیل بیت العدل
۸	بحران ناشی از خلأ وجود ولی امر
۱۰	پرسش‌های بی جواب
۱۱	تعیین نشدن جانشین ولی امر توسط شوقی افندی
۱۲	جمع بندی
۱۲	پاورقی
۱۳	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بیت العدل اعظم بن بست مشروعیت

مشخصات کتاب

عنوان: بیت العدل اعظم: بن بست مشروعیت

پدیدآورنده: علی اسماعیلی

نشریه: زمانه

شماره نشریه: ۶۸

سال: ۱۳۷۶

ماه: ۱

تعداد صفحه: ۵۳ - ۵۷

زبان: فارسی

موضوع: بررسی ضعف سازمانی جریان انحرافی بهائیت - بررسی نحوه تشکیل بیت العدل

مقدمه

ضعف سازمانی، به مثابه‌ی جلوه‌ی بارز ضعف اندیشه و سستی رفتار بهائیان، در بیت العدل انعکاس یافته است. بیت العدل، که سعی می‌کند همچون حزبی فراگیر عمل نماید، فاقد انسجام سازمانی و ارتباطات لازم میان اعضای خویش است. مقاله‌ی حاضر ضعف این جریان انحرافی، و تضادها و پرسش‌های ناشی از آن برای بهائیت را بررسی نموده است. سازمان اداری بهائیان که شوقی افندی آن را «نظم اداری امرالله» نامیده، زیر نظر مرکز اداری و روحانی بهائیان موسوم به «بیت العدل اعظم الهی» اداره می‌شود که در شهر حیفا (واقع در فلسطین اشغالی) قرار دارد. عباس افندی (عبدالبهاء)، دومین رهبر بهائیت، در «الواح وصایا»، که به منشور و میثاق جامعه‌ی بهائیان شهرت دارد، سازمان رهبری و اداری بهائیان را بر دو رکن - «ولی امر» و «بیت العدل» - بنیان نهاده و ضمن برشمردن حوزه‌ی اختیارات هر کدام، اعضای سازمان بیت العدل، ایادی امرالله و همه‌ی آحاد بهائیان را به تبعیت از دستورات ولی امرالله فراخوانده است. او ولی امر را به عنوان عضو ارشد و ریاست دائمی و عزل ناشدنی بیت العدل منصوب کرده، و اختیارات گسترده‌ای، نظیر اخراج یا تنبیه اعضای خطا کار بیت العدل، برای وی برشمرده است. بر اساس منشور بهائیان، که عباس افندی آن را در قالب «الواح وصایا» تدوین کرده است، ولی امر موجود باید ولی امر بعد از خود را معرفی و تعیین کند و سازمان اداری بهائیان در همه‌ی اعصار باید تحت اشراف و نظارت عالی‌هی ولی امر اداره شود. با وجود این، از زمان فوت شوقی افندی (سومین پیشوا و اولین ولی امر سازمان بهائیت) تاکنون نزدیک به پنجاه سال است که تشکیلات موسوم به بیت العدل، برخلاف منشور و دستورات عبدالبهاء، جایگاه ولی امر را از سازمان اداری بهائیان حذف نموده است و به تنهایی و بی حضور ولی امر، مدیریت جامعه‌ی بهائیان را بر عهده دارد و بدین سان، سازمان بهائیت را با بحران مشروعیت مواجه ساخته است.

نحوه‌ی تشکیل بیت العدل

عنوان بیت العدل، اول بار توسط حسینعلی بهاء در کتاب «اقدس» به کار رفت. بر اساس نظر وی، در هر شهر و محله‌ای که حداقل نه تن بهائی در آنجا ساکن باشند، تشکیل بیت العدل واجب است. عباس افندی (جانشین بهاء) به دنبال مسافرت به کشورهای اروپایی

و امریکایی، دایره‌ی تشکیلاتی بیت العدل را بسیار فراتر از آن چیزی که بهاء پیش‌بینی کرده بود، گسترش داد و آن را رکن و مرکز تشریح (یکی از دو رکن و مرکز اصلی سازمان بهائیت) تلقی نمود. رهبری سازمان به عنوان ولی امر الله (رکن اول) مرکز تبیین، و تشکیلات بیت العدل (به عنوان رکن دیگر) مرکز تشریح نامیده شد. پس از عباس افندی به دلایلی همچون ناتوانی و ضعف شخصیتی شوقی افندی، بنیان‌های تهی و سست مرام بهائیت، بی‌رغبتی مردم برای گرایش به این مسلک (به رغم تبلیغات بسیار گسترده و فراگیر آن)، ریزش تعداد بسیاری از پیروان، و از همه مهم‌تر تجارب مثبت نودینان امریکایی در امر سازمان دهی فرقه‌های به ظاهر دینی، و تأکید و توصیه‌ی دسته‌ای از حکام دولت غاصب اسرائیل بر تأسیس هر چه سریع‌تر بیت العدل، سیر شکل‌گیری بیت العدل در دوره‌ی شوقی شدت بیشتری به خود گرفت و بر همین اساس «هیأت بین‌المللی بهائی» (جنین بیت العدل) تشکیل، و میسن ریمی امریکایی توسط شوقی به ریاست آن منصوب شد. شوقی در ۱۹۵۷. م / ۱۳۳۶. ش به طور مشکوکی در لندن فوت کرد. هم‌زمان با مرگ مشکوک وی و به رغم وجود و ادامه‌ی فعالیت هیأت بین‌المللی بهائی، خانم روحیه ماکسول (بیوه‌ی شوقی) بدون کمترین توجه به هیأت منصوب شوقی، عملاً مدیریت تشکیلات بهائیت را به عهده گرفت. ماکسول ابتدا هیأتی سه نفره را (متشکل از خود، جان فرابی و حسن موقر بالیوزی) تشکیل داد، سپس هیأت بین‌المللی بهائی را، که در زمان حیات شوقی برای استقرار بیت العدل تأسیس شده و میسن ریمی ریاستش را بر عهده داشت، ملغی اعلام کرد. هیأت سه نفره در گام بعدی، اعضای ایادی امر الله را از سراسر جهان دعوت نمود و با حضور آن‌ها (که ۲۷ تن بودند) هیأت نه نفره‌ای از ایادی به عنوان «هیأت ایادی امر الله مقیم ارض اقدس» انتخاب شد. هم‌زمان با این امر، میسن ریمی (منصوب شوقی) از جمع ایادی امر الله طرد، و به بهائیان مقیم کشورهای جهان نیز اعلان شد که از هر گونه تماس با او و طرفدارانش خودداری کنند. محفل بهائیت در فرانسه نیز، که از طرفداران میسن ریمی تشکیل می‌شد، منحل گشت و سایر حامیانش از عضویت سازمان بهائیت اخراج شدند. هیأت ایادی امر الله مقیم ارض اقدس به مدت شش سال (۱۹۶۳ - ۱۹۵۷. م) اداره‌ی تشکیلات بهائیت را بر عهده داشت و طی این مدت، تعداد محافل ملی از نه به ۵۶ محفل افزایش یافت. سرانجام در ۱۳۴۲ (۱۹۶۳. ش) با حضور نمایندگان ۵۶ محفل ملی، نخستین انتخابات بیت العدل برگزار و طی آن سه ایرانی، چهار امریکایی بیت العدل برگزار و طی آن سه ایرانی، چهار امریکایی، یک انگلیسی و یک ایرلندی، جمعا نه نفر به عنوان اعضای بیت العدل انتخاب شدند. بر اساس قانون اساسی بیت‌العدل، اعضای آن هر پنج سال یک بار با حضور نمایندگان محافل ملی کشورها و اجتماع آن‌ها در قالب «انجمن شورای بین‌المللی بهائی»، با رأی اکثریت این شورا انتخاب می‌شوند و تاکنون طی سال‌های ۲۰۰۳ - ۱۹۶۳. م نه دوره‌ی انتخاب بیت العدل برگزار شده است. اختیارات و وظایف بیت العدل نسبت به جوامع و آحاد بهائی، نامحدود و فاقد هر نوع قید و شرط است، همچنان که تسلیم بودن جوامع و آحاد بهائی در قبال اوامر و تصمیمات بیت العدل نیز مطلق و فاقد قید و شرط می‌باشد. بیت العدل به لحاظ ساختار، دارای واحدهای سازمانی گسترده‌ای است که از طریق این واحدها، تمامی عرصه‌های فردی و اجتماعی بهائیان جهان را پوشش می‌دهد. در واقع، ساختار بیت العدل همانند ساختار حزبی فراگیر است که اعضای آن، خود را در هر حال ملزم به رعایت اصول حاکم بر حزب می‌دانند و هر کدام از اعضا در یک یا چند واحد سازمانی حزب مشغول فعالیت‌اند. به علاوه، تمامی بهائیان باید طی تشریفات خاصی، به عضویت سازمان بهائیت درآیند و کسانی که این تشریفات را رعایت، و تعرفه‌ی عضویت در سازمان بیت العدل را تکمیل نکنند، بهائی شناخته نمی‌شوند و از مزایای حزبی و حمایت‌های سازمانی محروم خواهند بود. [۱]. در خور ذکر است که پس از مرگ شوقی، جمعی از بهائیان که بر لزوم حضور و استمرار ولایت امر باور داشتند، یکی از ایادی امر به نام چارلز میسن ریمی را (که شوقی او را به ریاست هیأت بین‌المللی بهائی منصوب کرده بود) به عنوان ولی امر دوم خود برگزیدند. میسن ریمی در ۱۹۷۴. م مرد و پس از وی جوئل مارائزلا به عنوان ولی امر سوم و در حال حاضر نیز نصرت الله بهره‌مند در جایگاه ولی امر چهارم قرار دارد. مقر اصلی طرفداران میسن ریمی فعلا در کشور استرالیاست. این گروه، که خود را بهائیان راستین می‌خوانند، تحت عنوان بهائیان ارتودکس در کشورهای مختلف از جمله

امریکا، هند، استرالیا، و کانادا فعال، و دارای مراکز تبلیغی و محافل تشکیلاتی می‌باشند.

بحران ناشی از خلأ وجود ولی امر

طبق دستور رهبران بهائیت، مدیریت جامعه‌ی بهائیان بر عهده‌ی ولایت امر (سازمان تبیین) و تشکیلات بیت العدل (سازمان تشریح) می‌باشد. از منظر شوقی افندی، اولین ولی امر بهائیان «این نظم بدیع - سازمان مدیریت بهائیان - بر دو رکن استوار است رکن اول او و اعظم رکن ولایت الهیه است که مصدر تبیین است - سازمان تبیین - و رکن ثانی بیت العدل اعظم الهی - سازمان تشریح - که مرجع تشریح است.» [۲]. بر اساس این نگرش، سازمان‌های تبیین و تشریح باید در کنار هم وظایف محول شده را انجام دهند و هیچ یک نمی‌تواند جانشین دیگری گردد و در حوزه‌ی وظایف دیگری مداخله کند و «انفصال رکنین نظم بدیع نیز از یکدیگر ممنوع و محال است» [۳] و ثبات، دوام و استقرار جامعه‌ی بهائی ناشی از وجود ولایت امر می‌باشد و «هر گاه ولایت امر - سازمان تبیین - از نظم بدیع حضرت بهاء الله - سازمان تشریح - منتزع شود، اساس این نظم، متزلزل و الی الابد محروم از اصل توارثی می‌گردد.» [۴]. در این چارچوب که رهبران بهائیت آن را ترسیم کرده‌اند، هیچ فردی حق اعتراض و اظهار نظر ندارد و همه‌ی بهائیان مکلف‌اند در مسیر تعیین شده حرکت نمایند. «... و جمیع افنان و ایادی و احبای الهی باید اطاعت او نمایند و توجه به او کنند... این کلمات را مبدا کسی تأویل نماید و مانند بعد از صعود، هر ناقص ناکسی بهانه‌ای کند و علم مخالفت برافرازد و خودرأیی کند و باب اجتهاد باز نماید، نفسی را حق رأیی و اعتقاد مخصوصی نه. باید کل، اقتباس از مرکز امر - ولی امر - و بیت عدل نمایند و ماعداهما کل مخالف فی ضلال مبین.» [۵]. بر اساس نوشته‌ی رهبران بهائیت، سامان‌یابی، همبستگی درونی و نیز تأمین مصالح جامعه‌ی بهائی در سایه‌ی توافق، استمرار و تداوم همکاری نهاد ولی امر و سازمان بیت العدل محقق می‌شود. این دو باید در حوزه‌ی اختیارات دیگری مداخله و همدیگر را تضعیف نکنند و «چون این دو مؤسسه - سازمان تبیین و سازمان تشریح - لا ینقسم متفقا به اجرای وظایف پردازند، امور تمشیت پذیرد و اقدامات جامعه مرتبط گردد و مصالح امر الله ترویج یابد.» [۶] بر همین اساس، سازمان‌های یاد شده «هیچ یک نمی‌توانند به حدود مقدسه‌ی دیگری تجاوز نمایند و هرگز نیز تعدی نخواهد نمود. هیچ یک در صدد تضعیف سلطه و اختیارات منصوبه مسلمه دیگری، که از طرف خداوند عنایت گشته است، بر نخواهد آمد» [۷] و هر مؤسسه‌ای که بر خلاف منشور بهائیان - الواح و صایا - ایجاد گردد، ولو نام بیت‌العدل اعظم الهی بر خود نهد، در خور اعتنا نیست و فاقد مشروعیت است: «... هر هیأتی که به نظام الهی و بر حسب تعلیمات و اصول و شرایط سماویه، که در صحف الهیه مشروحا مشبوت و مسطور است، کاملاً کما ینبغی و یلیق لهذا المقام الرفیع و المرکز المنیع انتخاب و تشکیل نشود آن هیأت از اعتبار اصلی و رتبه‌ی روحانی ساقط، و از حق تشریح و وضع احکام و سنن و قوانین غیر منصوبه ممنوع، و از اشرف اسنی و قوه مطلقه‌ی علیا محروم» است. [۸]. چنان که اشاره شد، طبق نظر بنیان‌گذاران بهائیت، ولی امر، علاوه بر آنکه رکن اول و اعظم سازمان مدیریت بهائیان است، عضو ارشد و ریاست دائمی و عزل ناشدنی تشکیلات بیت العدل - سازمان تبیین - نیز هست. عباس افندی به موجب آنچه در الواح و صایا آمده، ولی امر را به عنوان ریاست همیشگی بیت العدل - سازمان تبیین - انتخاب، و ضمن تأکید بر لزوم تبعیت بهائیان در همه‌ی اعصار از دستورات ولی امر تصریح کرده است که «... ولی امر الله رئیس مقدس این مجلس و عضو اعظم ممتاز لا ینعزل» است [۹] و «جمیع اغصان و افنان و ایادی امرالله باید کمال اطاعت و تمکین و انقیاد و توجه و خضوع و خشوع را به ولی امرالله داشته باشد.» [۱۰] افزون بر این، تشخیص تصمیمات غلط بیت العدل، و منطبق ساختن این تصمیمات با منصوبات رهبران بهائیت بر عهده‌ی ولی امر است. به نوشته‌ی کتاب دور بهائی، «هر چند ولی امر الله رئیس لا- ینعزل این مجلس فخیم - بیت العدل - است... و لکن هر گاه تصمیمی را وجدانا مابین با روح آیات منزله تشخیص دهد باید ابرام و تأکید در تجدید نظر آن نماید.» بنابراین، طبق دستورات دومین رهبر بهائیان - عباس افندی - اعضای سازمان بیت العدل، ایادی امرالله، رجال مؤثر بهائی، و همه‌ی آحاد بهائیان باید در برابر

ولی امر الله خاضع، و مطیع دستورات و فرمان‌های وی باشند و بر اساس همین اختیارات گسترده است که او می‌تواند نسبت به تنبیه یا اخراج اعضای خطا کار بیت العدل اقدام نماید و «چنانچه عضوی از اعضا - بیت العدل - گناهی ارتکاب نماید که در حق عموم ضرری حاصل شود، ولی امر الله صلاحیت اخراج او را دارد.» [۱۱] بر اساس همین نگاه است که ولی امر به عنوان مهم‌ترین کانون این جماعت، مسئولیت دریافت و توزیع اموال عمومی بهائیان را نیز بر عهده دارد و «... حقوق الله راجع ولی امر الله است تا در نشر نفعات الله و ارتفاع کلمه الله و اعمال خیریه و منافع عمومی صرف گردد.» [۱۲]. همچنین، طبق دستورات رهبران بهائی، وجود مبین (یعنی تبیین و تفسیر کننده متون مقدس بهائیان) برای تبیین و تفسیر متون بهائی در همه‌ی اعصار، از منصوصات و تصریحات انکار ناپذیر است و این وظیفه در طی زمان از ولی امر موجود به ولی امر بعدی منتقل می‌گردد و هیچ نهاد و سازمان دیگری حق تفسیر، توجیه و تبیین متون را ندارد. شوقی افندی در کتاب «دور بهائی» از قول عبدالبها در خصوص اه وظایف ولی امر گفته است: «اوست مبین آیات الله» و عبدالبهاء نیز تصریح کرده است: «ای احبای الهی، صریح کتاب این است که اگر دو نفس در مسائل الهیه جدال و بحث نمایند و اختلاف و منازعه نمایند هر دو باطل‌اند... اگر اندک معارضه‌ای به میان آید، سکوت کنند و حقیقت حال را از مبین - ولی امر - سؤال کنند.» [۱۳] عبدالبها در این فراز از سخن خود، ولی امر را علاوه بر تبیین کننده‌ی امر الله در کرسی رافع اختلافات و منازعات بهائیان نشانده و همه‌ی آحاد بهائیان را به تبعیت از وی فرا خوانده است و اینکه: «... ولی امر حاضر و ولاء امر در مستقبل ایام باید با اقوال و اعمال خود کاملاً به حقیقت این اصل مهم آیین نازنین ما شهادت دهند و با روش و سلوک خود حقیقت این اصل را بر اساس متین استوار سازند.» [۱۴]. ولی امر، از نظر نصوص بهائی، نماد وحدت و همدلی جامعه‌ی بهائیت است و بدون آن، بهائیان از هدایت و فیض معنوی محروم می‌گردند، و «بدون این مؤسسه - و ولی امر الله - وحدت و اساس در خطر افتد و بنیانش متزلزل گردد و از منزلتش بکاهد و از واسطه‌ی فیضی که بر عواقب امور طی دهور احاطه دارد بالنده بی‌نصیب ماند و هدایتی که جهت تعیین حدود و وظایف منتخبین ضروری است، سلب شود.» [۱۵]. توجه به این نکته لازم است که مطابق تعالیم بهائی، بیت العدل نمی‌تواند وظایف ولی امر را انجام دهد، همچنان که ولی امر نمی‌تواند وظایف بیت العدل را انجام دهد و این دو سازمان به طور مستقل و هر یک با شرح وظایف معین، جامعه‌ی بهائی را اداره می‌کنند و «قدرت و اختیارات و حقوق و امتیازات این دو مؤسسه هیچ یک با یکدیگر متناقض نیست و به هیچ وجه از مقام اهمیت دیگری نمی‌کاهد.» [۱۶]. این در حالی است که در حال حاضر تشکیلات، بدون توجه به دستورات صریح رهبران خود، رکن اول و اعظم سازمان اداری بهائیان - ولی امر - را حذف نموده است و به تنهایی بر کرسی مدیریت جامعه‌ی بهائی یکه تازی می‌کند! بنابراین با توجه به اینکه اختیارات هر دو سازمان (سازمان ولی امر و سازمان بیت العدل) را به صورت شفاف رهبران بهائیان تعریف و تعیین کرده و بر مداخله نکردن هر سازمان در حوزه‌ی وظایف دیگری تأکید فراوان نموده‌اند، هیچ یک از سازمان‌های یاد شده بدون وجود سازمان دیگر و به تنهایی نمی‌تواند جماعت بهائیان را اداره کند و در این صورت موضوعیت و مشروعیت خود را از دست می‌دهد و نمی‌تواند وظایف و رسالت خود را تحقق بخشد. مضافاً اینکه هیچ یک از این سازمان‌ها نمی‌توانند در جایگاه سازمان دیگر قرار گیرند و وظایف و رسالت آن را انجام دهند. از منظری دیگر، با عنایت به اینکه در نظامنامه‌ی اداری بهائیان، ولی امر، عضو ارشد و ریاست دائمی بیت العدل خواهد بود، در صورتی که با تسامح یا بر اساس مصالح و ضرورت‌هایی ناگزیر از قرار گرفتن یکی از سازمان‌های یاد شده در جایگاه دیگری باشد، این سازمان ولی امر است که می‌تواند متناسب با جایگاه خود، در جایگاه بیت العدل قرار گیرد و در غیاب بیت العدل وظایف آن را تحقق بخشد، ولی سازمان بیت العدل با هیچ فرضی نمی‌تواند به جای سازمان ولی امر قرار گیرد؛ اتفاقی که در حال حاضر سازمان بهائیان را دچار بحران فراینده نموده و این جماعت را با معمایی لاینحل مواجه ساخته است. علاوه بر نصوص و دستورات یاد شده، در ده‌ها نوشته‌ی دیگر از رهبران بهائیت تأکید شده که ولی امر، رکن اعظم و اول سازمان مدیریت بهائیان و رئیس و عضو ارشد بیت العدل است و تبعیت همه‌ی آحاد و رجال بهائی از وی واجب می‌باشد، اساس سازمان مدیریت

بہائیان بدون ولی امر متزلزل می‌گردد، سازمان بیت العدل فقط با ریاست و حضور ولی امر معنا و موضوعیت می‌یابد و بدون وجود و حضور ولی امر فاقد مشروعیت می‌باشد؛ اتفاقی که قریب نیم قرن در سازمان مدیریت بہائیان رخ داده، جامعه‌ی بہائیان را با مشکل اساسی و بنیادی دچار ساخته، ریزش جماعت زیادی از سازمان بہائیت را موجب گردیده، پرسش‌های بسیاری را متوجه سازمان بیت‌العدل نموده و این سازمان را به آشفته‌گویی و تناقض‌گویی وادار ساخته است. با توجه به توضیحات فوق، حذف سازمان ولایت امر از سازمان مدیریت بہائیان و قرار دادن تشکیلات بیت‌العدل به جای ولی امر، در تعارض آشکار با دستورات و نوشته‌های بنیان‌گذاران بہائی قرار دارد، زیرا به پیامدهای مهم و سوء زیر (از نظر گاہ بہائیت) می‌انجامد: ۱- حذف ستون و رکن اول و اعظم سازمان مدیریت بہائیان؛ ۲- حذف تکیه گاهی که مانع تزلزل جامعه بہائیت می‌شود؛ ۳- حذف وجودی که بہائیان معتقدند به موجب وجود و حضور او کسب فیض می‌کنند؛ ۴- حذف عضو ارشد و ریاست دائمی بیت العدل؛ ۵- حذف مقامی که ناظر بر تصمیمات و اعمال اعضای بیت العدل می‌باشد و قرار است از تصمیمات غلط بیت العدل جلوگیری کند و به وسیله‌ی آن، افراد خاطی در سازمان بیت العدل تنبیه یا اخراج شوند؛ ۶- مرجع کل جامعه بہائیان؛ ۷- حذف تنها مرجع مشروع (از دید گاہ بہائیت) برای دریافت و توزیع پول‌هایی که بہائیان (به عنوان حقوق الله) به تشکیلات می‌پردازند؛ ۸- حذف مقامی که رسماً تبیین متون و نوشته‌های رہبران بہائی را بر عهده دارد، و حذف....

پرسش‌های بی جواب

این تناقض و دوگانگی در رفتار و نظر کارگزاران بہائی، پرسش‌های متعددی را فرا روی آنان قرار می‌دهد که باید برای پیروان این مسلک پاسخگو باشند. از جمله: ۱- شوقی در کتاب «دور بہائی» گفته است: «با حذف مؤسسه‌ی ولایت امر، نظم جهانی حضرت بہاء الله تحریف شده و برای همیشه از آن اصل موروثی، که طبق نص حضرت عبدالہما همیشه مورد حمایت قانون الهی بوده است، محروم می‌گردد.» بدین ترتیب آیا بیت العدل از طریق حذف ولایت امر، بزرگ‌ترین تحریف و انحراف را در مسلک بہائیت ایجاد نموده و جامعه‌ی بہائیان را برای همیشه از اصل موروثی مورد نظر شوقی افندی محروم نساخته است؟ ۲- با توجه به تأکید شوقی افندی مبنی بر اینکه «ہر گاہ ولایت امر از نظم بدیع حضرت بہاء الله منتزع شود، اساس این نظم متزلزل گردد. بدون این مؤسسه وحدت امر الله در خطر افتد و بنیانش متزلزل»، آیا مؤسسه‌ی ولایت امر امروز وجود خارجی دارد و نبود آن بنیان جامعه‌ی بہائی را متزلزل نمی‌سازد؟ ۳- نصوص و دستورات متعدد بر ضرورت وجود و حضور ولی امر در میان جامعه‌ی بہائی چگونه نادیده گرفته شده است؟ ۴- چگونه سازمان بیت العدل به خود اجازه داده که مهم‌ترین سند و منشور اداری بہائیان - الواح وصایا - را که موجودیت خود را از آن کسب کرده است، به دور اندازد و به مفاد آن کوچک‌ترین وقعی ننهد؟ ۵- آیا آیین بہائیت مطابق نگرش بنیان‌گذاران بہائی، بدون وجود و حضور ولی امر الله ارزش و مشروعیتی دارد؟ ۶- ولی امر (رکن اول و اعظم سازمان بہائیت) در حال حاضر کیست؟ ۷- آیا رکن دوم سازمان بہائیت (بیت العدل)، بنا به دید گاہ رہبران بہائی، بدون رکن اول و اعظم (ولی امر الله) اعتبار و مشروعیتی دارد؟ ۸- وظیفه‌ی تطبیق برنامه‌های بیت العدل با تعالیم بہائیت چگونه و به دست چه مرجعی انجام شود؟ ۹- چه مرجعی به تخلفات بیت العدل از تعالیم بہائیت رسیدگی می‌کند؟ ۱۰- عضو ارشد و رئیس دائمی بیت العدل در حال حاضر چه کسی است؟ ۱۱- مرجع مشروع برای دریافت و توزیع پول‌هایی که بہائیان به تشکیلات می‌پردازند کیست؟ ۱۲- تبیین متون و نوشته‌های رہبران بہائی به دست چه مرجعی انجام می‌شود؟ ۱۳- دوره‌ی شش ساله‌ی پس از فوت شوقی، که جامعه بہائی بدون ولی امر و بیت العدل بوده است، بر اساس تعالیم بہائیت چگونه توجیه می‌گردد؟ ۱۴- خانم روحیہ ماکسول به دستور چه کسی و بر اساس کدام اختیارات بلادرنگ، پس از فوت شوقی افندی، هیأت بین‌المللی بہائی را، که شوقی افندی آن را تأسیس کرده بود، منحل نمود و گروه دیگری را به جای آن قرار داد. ۱۵- میسن ریمی، عضو هیأت بین‌المللی بہائی، که شوقی افندی او را به ریاست

این هیأت منصوب کرده بود، به دستور چه کسی و بر اساس کدام اختیارات از مقام خود عزل، و از جامعه‌ی بهائیان طرد گردید؟

۱۶ - آیا جامعه‌ی بهائیان را گریزی از این تناقض هست که تشکیلات بیت العدل از یک سو فلسفه و ضرورت وجودی خود را به سخنان حسینعلی نوری - بهاء الله - و عباس افندی مستند سازد و در همان حال دستورات موکد آن‌ها در خصوص ضرورت حضور و استمرار ولی امر را در رأس جامعه‌ی بهائیان نادیده انگارد؟ اگر رهبران و هادیان بیت العدل ذره‌ای به مطالبی که در باب مقام مرتبه‌ی رهبران بهائیت منتشر می‌کنند، اعتقاد داشتند، بسیار بدیهی می‌نمود که وضع کنونی را بر نمی‌تافتند، اما آنان هیچ وقعی به آرزوهای خانواده‌ی میرزا حسینعلی ننهاده‌اند و در حالی که بر اساس اظهارات عبدالبهاء در نبود فردی از خانواده‌ی میرزا حسینعلی در رأس بهائیت، برای بیت العدل هیچ اعتباری منظور نمی‌شود و از مقام عصمت ادعایی نیز ساقط می‌گردد، هم اکنون بیت العدل به تنهایی جامعه‌ی بهائیان را رهبری می‌کند. بیت العدل در مقام پاسخگویی به این پرسش، نسبت به رفتار شوقی افندی نیز به نوعی تعریض کرده و گفته است: «حضرت شوقی افندی طی ۳۶ سال ولایت بدون وجود بیت العدل اعظم به انجام وظیفه می‌پرداختند، اینک بیت العدل اعظم باید بدون ولی امر فعالیت کند!» ناگفته پیداست که معانی روشن چنین سخنی، همانا تلافی رفتار نامقبول شوقی افندی در گذشته می‌باشد. بیت العدل، همچنین، از پیروان بهائیت درخواست کرده است در مواجهه با چنین سؤالاتی، ایمان خود را تقویت کنند و به همه‌ی تعالیم بهائیت یقین داشته باشند تا از انحراف مصون مانند، آنگاه خواهند فهمید که هیچ تناقضی در تعالیم بهائی نیست و «در این زمینه یاران باید اهمیت سلامت فکر و فروتنی را دریابند... باید از توجهات مصلحت آمیز دربارهی حقایق ضروریه بر حذر بود و از این قبیل کبر و غرور فکری قطعاً اجتناب نمود!» در هر حال، هادیان بیت العدل و مدعیان مسلک بهائیت باید تکلیف خود را با این تناقض روشن سازند و به استناد متون رهبران خویش، به این پرسش‌ها و ده‌ها پرسش مشابهی دیگر پاسخ گویند و توده‌ی بهائیان را از باتلاق تناقض‌ها و آشفتگی‌های موجود نجات دهند.

تعیین نشدن جانشین ولی امر توسط شوقی افندی

بر اساس متون منسوب به رهبران بهائی، ولی امر موجود باید ولی امر پس از خود را معرفی و تعیین کند. عباس افندی - دومین رهبر بهائیان - در «الواح وصایا» با صراحت بر این امر تأکید ورزیده است که «ای احبای الهی ولی امر از زمان حیات خویش من هو بعده را تعیین نماید تا بعد از صعودش اختلاف حاصل نگردد.» عقیم بودن یا مانع دیگری نیز نمی‌تواند باعث شود ولی امر بعدی تعیین نگردد، چه آنکه طبق دستور عباس افندی در «الواح وصایا»، اگر فرزند ذکور ولی امر، شایسته‌ی خلافت و جانشینی نباشد باید غضن و فرد دیگری به عنوان محور وحدت، مانع از فروپاشی جامعه‌ی بهائیان گردد. این نکته بسی حائز اهمیت است که بر اساس پیش بینی رهبران بهائی، سلسله‌ی ولایت امر در جامعه‌ی بهائیان تا ۲۴ نفر استمرار می‌یابد. عباس افندی در تفسیر مکاشفات یوحنا، ضمن مقایسه‌ی مسلک بهائیت با ادیان آسمانی یهود، مسیحیت و اسلام، و ادعای برتری مسلک بهائیت بر این ادیان، تصریح کرده است: «... در هر دوره، اوصیا و اصفیا دوازده نفر بودند: در ایام حضرت یعقوب دوازده پسر بودند و در ایام حضرت موسی دوازده نقیب رؤسای اسباط بودند و در ایام حضرت مسیح دوازده حواری بودند و در ایام حضرت محمد دوازده امام بودند، و لکن در این حضور اعظم، ۲۴ نفر هستند، دو برابر جمیع، زیرا عظمت این ظهور این چنین اقتضا نماید.» [۱۷]. به رغم جایگاه ممتاز و اختیارات گسترده‌ای که در کلام رهبران بهائیت برای ولی امر تعریف گشته و بر همین اساس بر ضرورت حضور و استمرار سلسله‌ی ولایت امر فراوان تأکید شده و ولی امر موجود به تعیین و انتخاب ولی امر پس از خود مکلف گردیده است، شوق افندی به دستور اجداد و بزرگان خود توجهی ننمود و مطابق نظر بیت العدلی‌ها، ولی امر پس از خود را انتخاب نکرد و بدین ترتیب، جامعه‌ی بهائیان را از واسطه‌ی فیضی که خود برای آن‌ها قرار داده بود محروم ساخت. معین نشدن ولی امر بعدی توسط شوقی افندی، نقض صریح منشور اداری، دستورات و نصوص کارگزاران بهائی، و گواه روشنی است بر آشفتگی در مسلک بهائیت. بی‌توجهی و غفلت شوقی از

تعیین ولی امر پس از خود، در واقع غفلت از تعیین عضو ارشد و رئیس دائمی سازمان بیت العدل، بی توجهی نسبت به تعیین و انتخاب مرجع کل جامعه‌ی بهائیان، غفلت از تعیین ستون و رکن اول و اعظم سازمان مدیریت بهائیان، غفلت از تعیین تکیه گاهی که مانع تزلزل جامعه‌ی بهائیت می‌گردد، غفلت از تعیین وجودی که بهائیان به موجب وجود و حضور او کسب فیض می‌نمایند، غفلت از تعیین مقامی که از تصمیمات نادرست بیت العدل جلوگیری می‌کند و افراد خاطی در سازمان بیت العدل را تنبیه یا اخراج می‌نماید، غفلت از تعیین تنها مرجع صالح دریافت و توزیع حقوق الله بهائیان، غفلت از تعیین مقام مبین متون و نوشته‌های رهبران بهائی و... است.

جمع بندی

۱- اگر بپذیریم که شوقی افندی وصیتی نداشته و ولی امر پس از خود را تعیین نکرده است؛ این پرسش به جد مطرح می‌شود که چرا و چگونه شوقی به دستورات اکید پدر بزرگش (عباس افندی) و در واقع به مهم‌ترین سند نظم اداری بهائیان (الواح وصایا) عمل نکرده است؟ ۲- اگر مرام میسن ریمی امریکایی را بپذیریم که شوقی افندی دارای وصیت‌نامه بوده و به موجب وصیت‌نامه‌اش، میسن ریمی ولی امر دوم بهائیان انتخاب شده، در این صورت وجود سازمان بیت العدل فعلی، که قریب پنجاه سال است به تنهایی، رهبری بهائیان جهان را به عهده دارد، چگونه توجیه پذیر است؟! و آیا در این فرض، مشروعیتی برای بیت العدل کنونی تصور کردنی می‌باشد؟! ۳- با توجه به تأکید عباس افندی بر اینکه «اگر بهائیان دو فرقه شوند و هر یک بیت العدلی بنا کنند و مخالفت یکدیگر نمایند هر دو باطل است»، [۱۸] تکلیف بهائیان موجود چیست؟ اگر این سازمان، موجودیت و مشروعیتش را از رهبران خود می‌گیرد، طبق دستور صریح عبدالبها، سازمان بهائیت به دلیل انشعابات و اختلافات موجود، مشروعیتش را از دست داده و در تاریخخانه‌ی بطلان سکنا گزیده است. ۴- آیا اقدام نکردن شوقی افندی به تعیین جانشین خود و معرفی ولی امر بعدی، گواه اعتقاد نداشتن وی به جایگاهی که خود و سایر رهبران بهائی به گزاف برای ولی امر تعیین کرده‌اند، نیست؟! ۵- آیا وجود تناقضات بی شمار در بین گفتار و کردار رهبران بهائیت، تحریف و نوسازی پیاپی متون و نوشته‌های رهبران اولیه، [۱۹] انشعابات متعدد در تمامی ادوار بهائیت و... همه و همه بیانگر این حقیقت نیست که اساسا در بین کارگزاران و سیاستمداران تراز اول بهائیت، کوچک‌ترین نشانه‌ای از ایمان و اعتقاد مشاهده نمی‌شو و...؟ به راستی اگر شوقی افندی - اولین ولی امر بهائیان - به سخنان خود و بنیاد گذاران مسلک بهائیت وقعی ننهاده است، آیا سرسپردگی و دلدادگی افراد بهائی به او و دیگر کارگزاران بهائیت، جز فرو رفتن در باتلاق انحطاط و ظلمت جهل و تعصب، و محروم ساختن خویش از معنویت و درک حقیقت، و فاصله گرفتن از عقلانیت، توجیه دیگری دارد؟!

پاورقی

[۱] واحدهای سازمانی بیت العدل از دارالتبلیغ بین‌المللی شروع، و به هیأتها و لجنه‌های محلی ختم می‌گردد. بالاترین مرجع تصمیم‌گیری بیت العدل، دارالتبلیغ بین‌المللی است، علاوه بر دارالتبلیغ، واحدهای: روابط عمومی، دارالآثار، هیأت مهاجرین، دفتر بین‌المللی بهائی، دارالآثار جامعه‌ی بین‌المللی بهائی، با شرح وظایف مخصوص مستقیما زیر نظر بیت العدل ادای وظیفه می‌کنند. هیأت مشاورین قاره‌ای، به عنوان یکی از واحدهای وابسته به دارالتبلیغ بین‌المللی، در قالب قاره‌های آسیا، اروپا، امریکا، آفریقا و اقیانوسیه، از طریق هیأت‌های معاونت خود، مدیریت محافل ملی کشورها را بر عهده دارد. این هیأتها، علاوه بر مدیریت محافل ملی کشورها، دو وظیفه‌ی عمده‌ی، «صیانت» از تشکیلات و جامعه‌ی بهائی و «تبلیغ و نشر» مرام بهائیت را نیز عهده‌دار می‌باشد. بخش دیگر تشکیلات بیت العدل، محافل ملی و محلی است که در سطح کشورها فعال‌اند. محفل ملی، عالی‌ترین سازمان تصمیم‌گیری و

سیاست‌گذاری بیت‌العدل در هر کشور است که هر ساله طی انتخاباتی، با حضور نمایندگان محافل محلی آن کشور، اعضای نه نفره‌ی آن انتخاب می‌شوند. محفل ملی در واقع رابط جامعه‌ی بهائی هر کشور با تشکیلات بیت‌العدل، و مجری سیاست‌ها و اهداف بیت‌العدل در آن کشور است. تبعیت از دستورات محفل ملی بر بهائیان آن کشور واجب است و تخلف از این دستورات، محرومیت‌های گسترده‌ای در پی دارد و متخلفان به اشد وجه مجازات می‌شوند (اخیرا البته بر اثر فشارهای موجود، در این مجازات‌ها تجدید نظرهایی شده است). محفل محلی، از دیگر واحدهای سازمانی بیت‌العدل اعظم است که در شهرها و محله‌های بهائی نشین، برپا می‌گیرد، بهائیان ساکن هر شهر و محله، چنانچه به حد نصاب نه نفر برسند، ملزم‌اند محفل محلی برپا نمایند. محفل محلی، همانند محفل ملی، مرکب از نه نفر، و در واقع، زیرمجموعه محفل ملی است و از تمامی اختیارات و وظایف لازم برای اداره و کنترل بهائیان تحت حوزه‌ی خود، برخوردار می‌باشد. علاوه بر محافل ملی و محلی، هیأت‌ها و لجنه‌ها از دیگر واحدهای سازمان بیت‌العدل‌اند که زیر نظر محفل ملی و محلی، و متناسب با نیازها و ضرورت‌های ملی و منطقه‌ای بهائیان تأسیس می‌گردند و هر هیأت و لجنه در حوزه‌ی تعریف شده‌ای فعالیت می‌کند. در واقع، ملموس‌ترین واحد سازمانی بیت‌العدل برای آحاد بهائی، هیأت‌ها، لجنه‌ها و محافل محلی‌اند. این واحدها بر کلیه فعالیت‌های اجتماعی، فردی و احوال شخصی بهائیان نظارت و اشراف کامل دارد.

[۲] ولی امر الله، توفیق منبع، ص ۲۱.

[۳] همان جا.

[۴] ارکان نظم، بدیع، ص ۴۶.

[۵] الواح وصایا، ص ۲۷.

[۶] دور بهائی، ص ۷۶.

[۷] همان، ص ۷۷.

[۸] شوقی افندی، توقیعات، ص ۲۴۰.

[۹] همان، صص ۱۵ - ۱۶.

[۱۰] همان جا.

[۱۱] همان جا.

[۱۲] همان جا.

[۱۳] عبدالبها، مکاتیب، ج ۳.

[۱۴] دور بهائی، ص ۸۲.

[۱۵] ارکان نظم بدیع، ص ۴۶.

[۱۶] دور بهائی، ص ۷۷.

[۱۷] عبدالبها، مفارضات، صص ۴۵ - ۴۶.

[۱۸] بدیع الآثار، ج ۱، ص ۱۱۹.

[۱۹] نظیر تغییرات و تحریفات آشکاری که در چاپ‌های مختلف کتاب «نظر اجمالی به دیانت بهائی» (نوشته احمد یزدانی، نویسنده و مبلغ مشهور بهائی)، بخش‌های مربوط به مقام ولی امر و مبین آیات و... روی داده است و شرح آن فرصتی دیگر می‌طلبد.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم

جاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)

با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل بیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند

مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی: www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران ۲۳۳۳۰۴۵ (۰۳۱۱)

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایند انشاءالله.

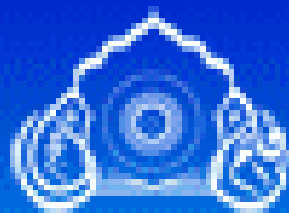
شماره حساب ۶۲۱۰۶۰۹۵۳، شماره کارت: ۶۲۷۳-۵۳۳۱-۳۰۴۵-۱۹۷۳ و شماره حساب شبا: IR۹۰-۰۱۸۰-۰۰۰۰-۰۰۰۰-۰۶۲۱-۰۶۰۹-۵۳ به نام مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان نزد بانک تجارت شعبه اصفهان - خیابان مسجد سید ارزش کار فکری و عقیدتی

الاحتجاج - به سندش، از امام حسین علیه السلام: - هر کس عهده دار یتیمی از ما شود که محنت غیبت ما، او را از ما جدا کرده است و از علوم ما که به دستش رسیده، به او سهمی دهد تا ارشاد و هدایتش کند، خداوند به او می فرماید: «ای بنده بزرگوار شریک کننده برادرش! من در کرم کردن، از تو سزاوارترم. فرشتگان من! برای او در بهشت، به عدد هر حرفی که یاد داده است، هزار هزار، کاخ قرار دهید و از دیگر نعمت‌ها، آنچه را که لایق اوست، به آنها ضمیمه کنید».

التفسیر المنسوب إلى الإمام العسکری علیه السلام: امام حسین علیه السلام به مردی فرمود: «کدام یک را دوست تر می داری: مردی اراده کشتن بینوایی ضعیف را دارد و تو او را از دستش می رَهانی، یا مردی ناصبی اراده گمراه کردن مؤمنی بینوا و ضعیف از پیروان ما را دارد، اما تو دریچه‌ای [از علم] را بر او می گشایی که آن بینوا، خود را بدان، نگاه می دارد و با حجت‌های خدای متعال، خصم خویش را ساکت می سازد و او را می شکند؟».

[سپس] فرمود: «حتماً رهاندن این مؤمن بینوا از دست آن ناصبی. بی گمان، خدای متعال می فرماید: «و هر که او را زنده کند، گویی همه مردم را زنده کرده است»؛ یعنی هر که او را زنده کند و از کفر به ایمان، ارشاد کند، گویی همه مردم را زنده کرده است، پیش از آن که آنان را با شمشیرهای تیز بکشد».

مسند زید: امام حسین علیه السلام فرمود: «هر کس انسانی را از گمراهی به معرفت حق، فرا بخواند و او اجابت کند، اجری مانند آزاد کردن بنده دارد».



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گامگاه

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

